

اشاره:

مقاله، بنحو آسیب شناسانه به کالبد شکافی شکاف‌های بالقوه در جامعه می‌پردازد که در صورت غفلت از آنها، در ایران دهه سوم پس از انقلاب، ممکن است مشکلات حاد اجتماعی در پی آورد. بطور خاص، به چهارگسست اقتصادی، سیاسی، فرهنگ عمومی و نظری در ابعاد داخلی و جهانی و استراتژی امام خمینی در هر زمینه، اشاره و عاقبت پیشنهادهائی ارائه شده است.

دکتر اصغر افتخاری

انقلاب اسلامی

و گسست‌های

اجتماعی





«انقلاب اسلامی» عرصه تجلی ثابت قدمی مردمی مؤمن به ارزش‌های دینی، به رهبری مردی فرزانه بود که در نهایت به ایجاد حکومت اسلامی به مثابه پاداش الهی برای مؤمنان صادق، منجر شد. بقای انقلاب اسلامی مطابق سنن الهی حاکم بر این جهان، قابل تفسیر است و همین بینش است که می‌تواند در آسیب‌شناسی انقلاب ما را یاری رساند.

در نوشتار حاضر ضمن کالبدشکافی بستر اجتماعی انقلاب اسلامی، از بروز گسست‌هایی (شکاف‌هایی) در درون جامعه سخن به میان خواهد آمد که در صورت بی‌توجهی به آنها، به تدریج زمینه تبدیل آنها از یک شکاف ساده به شکافی فعال که به نوبه خود می‌تواند مولد جنبشی اجتماعی در جامعه باشد، فراهم می‌آید. عصر حاضر با شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی تازه‌ای مواجه است.^(۱)

برای تحلیل ساخت اجتماعی انقلاب اسلامی و ارزیابی میزان فعالیت گسست‌های موجود در گفتمان انقلاب اسلامی، سیره عملی و نظری حضرت امام خمینی (ره) را ملاک قرار داده‌ایم که به عنوان معمار اصلی انقلاب، می‌تواند راهگشای باشد. تحلیل حاضر جنبه آسیب‌شناسی دارد و از لحاظ زمانی ناظر بر آینده است، بدین معنا که نظام، مردم و گروه‌ها را متوجه بروز شکاف‌هایی می‌نماید که معالجه آنها نه متوجه حزب و گروهی خاص، بل رسالت تمام علاقمندان ارزش‌های الهی است که توسط حضرت امام (ره) در دو دهه قبل به شکل جمهوری اسلامی، در ایران تأسیس گردید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله جامع علوم انسانی

چارچوب مفهومی و نظری

الف) شرایط گذار از گسست اجتماعی به جنبش اجتماعی

مقوله گسست‌های اجتماعی (Social Cleavages) و نحوه تأثیرگذاری آنها بر جوامع مختلف را باید، موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی قلمداد کرد:

«قاعده کلی جامعه‌شناسی سیاسی این است که زندگی سیاسی در هر کشوری به شیوه‌های گوناگون تحت تأثیر شکاف‌های اجتماعی خاص آن کشور و نحوه صورت‌بندی آن شکاف‌ها قرار می‌گیرد... تنوع جامعه‌شناسی سیاسی

کشورهای گوناگون ناشی از نوع و شمار این شکاف‌ها و نحوه صورت‌بندی یا ترکیب آنهاست.»^(۲)



اختلاف در علایق، نقطه آغازین بروز شکافهای اجتماعی می‌باشد. البته برای اینکه گسست‌ها - که بطور طبیعی در جامعه وجود دارند - منشأ اثر قرار گیرند و باصطلاح تبدیل به جنبش شوند، لازم است شرایط دیگری نیز فراهم آید که رسالت جامعه‌شناسی سیاسی در عصر حاضر، شناخت و معرفی آنها می‌باشد. (۳)

پاسخ کلی‌ای که می‌توان به این سؤال مهم داد این است که: «گسست‌های طبیعی طی فرآیندی پیچیده موسوم به بسیج اجتماعی از حالت غیرفعال خارج شده، به شکل جنبش در جامعه رخ می‌نمایند که خواهان ایجاد تغییر و تحول در ساختار اعمال قدرت و یا روابط اجتماعی، می‌باشند.» بنابراین نفس وجود «گسست» در جامعه دال بر خطری برای کانون قدرت نیست بلکه مهم فرآیند بسیج اجتماعی است و این که گسست مزبور تا چه میزانی فعال شده است. (نمودار شماره ۱)

نمودار شماره (۱): نمای تبدیل یک گسست غیرفعال به جنبشی تمام عیار

| وضعیت انتقالی (شورشی) | وضعیت انتقال | وضعیت طبیعی |
|--|--|---------------------|
| <p>جنبش اجتماعی</p> <p>۲- شماره فعال شدن</p> | <p>۱- تعمیق و تراکم گسست‌ها</p> <p>۲- شکل‌گیری ایدئولوژی بدیل</p> <p>۳- پیدایش رهبری افکری، بسیج‌گرو: سیاستگذار)</p> <p>پروسه بسیج اجتماعی</p> | <p>گسست غیرفعال</p> |

ب- تحدید واژگان

۱- گسست (شکاف)

اگر جامعه را به مثابه کلی واحد بدانیم که مرکب است از افراد، مؤسسات و شبکه ارتباطی بین آنها، آنگاه به اقتضای طبع و اصل منفعت‌طلبی، افراد در قالب گروه‌های مختلفی تجمع می‌نمایند که از یکدیگر متفاوت



هستند. گسست در شکل طبیعی آن، دال بر مرزهای اختلاف بین افراد، گروهها و نهادها دارد. (۴) شکافهای اجتماعی با عنایت به عنصر آگاهی و عمل سیاسی است که به دو دسته تقسیم می‌شوند:

گروه اول: شکافهای غیرفعال (Non-active Cleavages) که صرفاً به وجود اختلاف دو گروه اشاره دارد.
گروه دوم: شکافهای فعال (Active Cleavages) که مبتنی بر گروه‌بندی‌ها و آگاهی سیاسی است. (۵)

۲- اصل تراکم

شکافهای اجتماعی را می‌توان به دو دسته مهم تقسیم کرد:

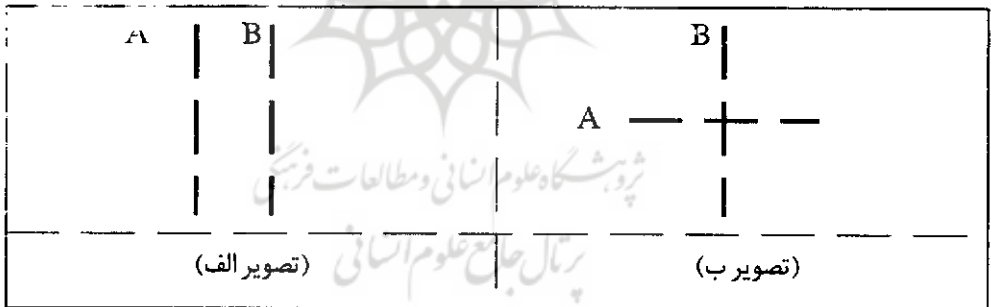
- گسست‌های متراکم (Reinforcing cleavages) که مبین همسویی شکافها و تقویت پتانسل عملیاتیشان

برای ایجاد تغییرات (تصویر الف)

- گسست‌های متقاطع (Crosscutting Cleavages) که مبین برخورد دو یا چند شکاف با هم و تضعیف

پتانسیل عملیاتیشان است (تصویر ب)

نمودار شماره (۲): شکاف‌های متقاطع و متراکم



از نکاتی که در تأثیرگذاری شکافها مؤثر است، این است که شکافهای مزبور از وضعیت تقاطع، خارج شده و به همسویی متمایل شوند که در آن صورت احتمال عمل زیاد می‌شود. (۶)

۳- بسیج اجتماعی

بسیج اجتماعی، فرآیند پیچیده‌ای است و دلالت بر آن دارد که یکی از طرفین شکاف، سعی دارد از وضعیت



موجود - یعنی نحوه استقرار شکافها در جامعه - استفاده نموده، با آرایه یک ایدئولوژی بدیل و با رهبری مردم، در حداقل زمان ممکن بر منابعی از قدرت دست یابد. بسیج اجتماعی را می توان تلاش برای فعال نمودن شکافهای غیرفعال نیز تعریف کرد^(۷).

عناصر مهم بسیج اجتماعی عبارتند از:

اول) آرایه ایدئولوژی بسیج: یعنی بینشی که ناظر بر عمل بوده و غرض از آن انگیزش افراد به عمل است.^(۸) ایدئولوژی با نكوهش از وضعیت موجود و تعیین مقصر، زمینه برای ترسیم ایده آل جامعه را فراهم می آورد که مبتنی آرایه تفسیری تازه از جهان و ضرورت اقدام به ایجاد تغییر در جامعه می باشد.^(۹)

دوم) رهبری: به این معنی که با آماده کردن اذهان، گروه معارض را به جامعه معرفی می کند و او می تواند تغییر موردنظر را راهبری کند. اگرچه تحلیلگران توده ای به نقش رهبران چندان توجهی ندارند ولیکن تجربه عملی خلاف آن را نشان داده است. بدین ترتیب در روند بسیج تا انتهای جنبش اجتماعی ما به سه گونه رهبر محتاج هستیم: «رهبر» فکری که ایدئولوژی لازم را بدهد، «بسیج گر» که بتواند توده ها را برگرد آن ایدئولوژی گرد آورد و بالأخره «سیاستگذار» که بتواند مدیریت جنبش را بعهده داشته به اهداف غایی اش برساند.^(۱۰) پس فرآیند بسیج، بدون رهبری، ایدئولوژی بدیل و توجه به وضعیت شکافها، کارآمد نیست.

۲- جنبش اجتماعی

جنبش اجتماعی را باید محصول عینی فرآیند بسیج دانست، حالتی که باورهای حاصله در دوران بسیج را به عرصه عمل سیاسی می کشاند. در این مرحله، سرمایه به دست آمده در دوران بسیج، هزینه شده و سعی می شود تغییری در ساختار اعمال قدرت و یا روابط اجتماعی حاصل آید.^(۱۱)

ج- جنبش های اجتماعی در دهه سوم انقلاب

ایران در دهه سوم از حیث تنش تا چه میزانی با چالش های ناشی از شکل گیری جنبش های اجتماعی مواجه است؟ شاخص های اصلی ارزیابی وضعیت گسست های اجتماعی در هر جامعه ای به شرح ذیل می آید:

۵- شناسایی گسست ها

اول) نوع: از حیث نوع می توان به گسست های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظری اشاره داشت. بروز شکاف



در مبادی اولیه هر اجتماع و نظام را شکاف نظری می‌گویند به عنوان مثال بروز اختلاف در معنای آزادی برای ایدئولوژی لیبرالیسم می‌تواند یک گسست تئوریک تلقی شود.

دوم) قلمرو: گسست‌ها از حیث قلمرو فعالیت به داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند.

سوم) وضعیت بسیج اجتماعی: «آیا ایدئولوژی جایگزین (بدیل) ارایه شده یا خیر؟»، «آیا رهبران سه‌گانه جنبش وجود دارد یا خیر؟» و اینکه «میزان اقبال و استعداد عمومی برای پذیرش این دیدگاه بدیل چقدر است؟» براساس این پرسشها می‌توان پیشرفت بسیج اجتماعی پیرامون هر شکاف را به کم و متوسط و زیاد تقسیم کرد.

چهارم) حالت استقرار شکافها: آیا وضعیت استقرار شکافها متقاطع‌اند یا متراکم؟

گسست‌های چهارگانه در جامعه اسلامی ایران

۱- توصیف وضعیت گسست‌ها

اول) شکاف اقتصادی: شکاف اقتصادی را باید مهمترین گسستی دانست که احتمالاً در دهه سوم انقلاب اسلامی فعال خواهد بود. این شکاف در هر دو حوزه داخلی و خارجی پتانسیل عمل بالایی را دارد که عدم توجه به آن می‌تواند خطرناک باشد.

الف) حوزه داخلی:

۱. هزینه‌های فزاینده خانوار و کاهش قدرت خرید:

از سال ۱۳۶۹ به بعد، همواره هزینه خانوار نسبت به درآمدهای آن در روستا و شهر، بیشتر بوده و افزایش حقوق، جبران‌کننده نبوده است و در بیشترین افزایش حقوق نیز هزینه خانوار همچنان برتری دارد.^(۱۲)

| سال | ۱۳۶۹ | ۱۳۷۰ | ۱۳۷۱ | ۱۳۷۲ | ۱۳۷۳ | ۱۳۷۴ | ۱۳۷۵ | ۱۳۷۶ |
|----------------|------|------|------|------|------|------|------|------|
| کالاهای ضروری | ۱۰۰ | ۱۵۵ | ۲۲۰ | ۲۶۰ | ۳۵۰ | ۴۵۰ | ۵۴۰ | ۶۰۰ |
| کالاهای بادوام | ۱۰۰ | ۱۵۰ | ۲۰۰ | ۲۲۰ | ۲۵۰ | ۳۲۰ | ۳۵۰ | ۳۶۰ |

مأخذ: مجله اقتصاد ایران، ش ۲، سال ۱۳۷۷، ص ۷



۲. بیکاری: میانگین بیکاری در سالهای اخیر به شرح زیر برآورد است:

| سال | ۱۳۵۸ دولت بازرگان | ۱۳۶۱-۱۳۶۸ دولت رجایی | ۱۳۶۱-۱۳۶۸ دولت موسوی | ۱۳۶۸-۱۳۷۶ دولت هاشمی | دولت خاتمی |
|----------------|----------------------|-------------------------|-------------------------|-------------------------|------------|
| میانگین بیکاری | ۱۱/۴ | ۱۲/۰۰ | ۱۳/۵ | ۱۱/۴ | ۱۲/۵ |

مأخذ: مجله اقتصاد ایران، ش ۶، سال ۱۳۷۸، ص ۴

درصد بالای بیکاری در حالی که ما شاهد چندپستی و یا ایجاد مشاغل کاذب پردرآمد می‌باشیم، شکاف اقتصادی را به شدت تهییج نموده که به نظر می‌رسد خطرات آن غیرقابل چشم‌پوشی باشد.

۳. رشد اقتصادی آهسته: علی‌رغم کلیه برنامه‌های توسعه، ما از سطح نیازهای اقتصادی عقب هستیم. نرخ تورم از کمتر از ۱۰ درصد در سال ۶۹ به بیش از ۳۵ درصد در سال ۷۳ رسید. (۱۳)

۴. کسری بودجه: اقتصاد ایران در سال ۷۷ مطابق محاسبات خوش‌بینانه حداقل ۵/۱۰۹۷ میلیارد ریال و حداکثر ۲۳/۱۱۸/۸ میلیارد ریال - با توجه به قیمت هر بشکه نفت از ۱۶ تا ۸ دلار - کسری بودجه داشته است! وجود چنین حجمی از کسری بودجه که پیامدهای منفی‌ای چون اسفراص تورم و... رابه دنبال دارد و رو به افزایش بوده و به نظر می‌رسد که همین روند را طی خواهد کرد، به معنای تعمیق شکاف اقتصادی در حوزه اقتصاد داخلی و فشار بیشتر بر قشر کم‌درآمد است. (۱۴)

۵. تورم: تورم را باید غول مهارناپذیر اقتصاد ایران قلمداد کرد که به شدت در حال تهییج شکاف اقتصادی است. آمارهای مختلف، درصد‌های گوناگونی از تورم را ارایه می‌دهند که رقم خوشبینانه آن در حدود زیر است:

| سال | ۱۳۵۸ دولت بازرگان | ۱۳۶۱-۱۳۶۸ دولت رجایی | ۱۳۶۱-۱۳۶۸ دولت موسوی | ۱۳۶۸-۱۳۷۶ دولت هاشمی | دولت خاتمی |
|--------------|----------------------|-------------------------|-------------------------|-------------------------|------------|
| میانگین تورم | ۱۱/۳ | ۲۱/۹ | ۱۸/۶ | ۲۴/۴ | ۱۸/۷ |

مأخذ: مجله اقتصاد ایران، ش ۶، ص ۴



مطابق محاسبات مراکز دیگر این رقم به ۲۷/۲٪ در سال ۷۶ رسیده است. لحاظ کردن کسری بودجه دولت، ثبات درآمدها، بیکاری و... منجر به تقویت میزان تأثیرگذاری تورم برای تعمیق گسست و شکل‌گیری جنبشی احتمالی می‌شود.

در جدول زیر، روندهای مختلف حوزه اقتصاد ایران مقایسه شده است:

| شاخص | سال | ۱۳۵۸ | ۱۳۶۱-۱۳۵۹ | ۱۳۶۸-۱۳۶۱ | ۱۳۷۶-۱۳۶۸ | ۱۳۷۷-۱۳۷۶ |
|-----------------------|------|-------|-----------|-----------|-----------|-----------|
| میانگین رشد سالانه | ۴/۷ | -۲٪ | ۰/۸ | ۵/۶ | ۱/۷ | |
| میانگین بیکاری | ۱۱/۴ | ۱۲/۰۰ | ۱۳/۵ | ۱۱/۴ | ۱۲/۵ | |
| میانگین تورم | ۱۱/۳ | ۲۱/۹ | ۱۸/۶ | ۲۴/۴ | ۱۸/۷ | |
| میانگین کاهش ارزش پول | ۶۰ | ۱۰۳ | ۲۰۱ | ۲۹۰ | ۴۰ | |

مأخذ: مجله اقتصاد ایران، ش ۶، ص ۴

علل عدم فعالیت گسست اقتصادی: آنچه این شکاف را از فعالیت بازداشته ملاحظات زیر است:

اولاً - ایدئولوژیهای ناظر بر این شکاف (بویژه ایدئولوژیهای طبقاتی) به خاطر سابقه تاریکی که در ایران داشته‌اند - معروف به دیدگاه توده‌ای - نتوانسته‌اند اقبال نخبگان و توده مردم را به خود جلب نمایند.

ثانیاً - رهبران فکری که در این حوزه صاحب‌نظر باشند و بتوانند ایدئولوژیهای مربوطه را در محیط ایران طرح نمایند، پیدا نشده‌اند. اگرچه از حیث عملی ما بعضاً دوره‌هایی را تجربه کرده‌ایم که بطور غیرمستقیم متأثر از دیدگاههای اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد و یا اقتصاد دولتی بوده است، ولی به هر حال هنوز شخص یا اشخاصی که رهبری این جریانها را بتوانند به دست بگیرند، پیدا نشده است.

در نتیجه این شکاف علی‌رغم پتانسیل زیاد برای فعالیت، خوشبختانه فاکتور ایدئولوژیک و رهبری خود را نیافته و از فعالیت مؤثر عاجز مانده است: فعال بودن این شکاف ما را نباید از تأثیرگذاری‌های سوء گسست غافل سازد چرا که میزان نارضایتی پنهان و نیمه آشکار این شکاف در سیطره جامعه قابل توجه می‌نماید.

نارضایتی‌هایی که به صورت پراکنده و گاه انفجاری اما محدود، عمل می‌نمایند.



(ب) حوزه خارجی اقتصاد:

۱. کاهش میزان سرمایه‌گذاری واقعی: پایان جنگ تحمیلی فرصت به دولت داد تا اصلاحات بنیادین اقتصادی صورت پذیرد، چراکه در سالهای ۵۷ و ۶۷ به ترتیب ۱/۸ و ۶/۶ درصد از تولید و سرمایه‌گذاری واقعی ایران کاسته شده بود و در مقابل رقم کل هزینه‌های مصرفی تا حدود زیادی را کد مانده بود و جمعیت با نرخ سالانه ۳/۲ تا ۳/۹ درصد افزایش یافته بود. در مجموع نرخ سالانه افت تولید، سرمایه‌گذاری و مصرف سرانه به ترتیب ۴/۲، ۹/۷ و ۳/۶ درصد محاسبه شده که همگی حکایت از عقب‌ماندگی ایران در عرصه فعالیت‌های اقتصادی مفید دارد. کاهش شدید سهم سرمایه‌گذاری تولید از ۲۲/۲ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۰/۸٪ در سال ۱۳۶۱ با عنایت به افزایش میزان مصرف از ۶۶٪ به ۷۱/۱٪ در همین دوره به اندازه کافی گویا است و محتاج توضیح اضافه‌ای نمی‌باشد. (۱۵)

۲. در چنین وضعیتی در سطح جهانی شکاف بین کشورهای پیشرفته و عقب‌مانده روز به روز افزایش یافته و تعداد کشورهای تازه‌ای به جرگه عقب‌ماندگان می‌پیوندد. تقسیم جهان به ۲۰٪ کشورهای پیشرفته و ۸۰٪ عقب‌مانده یا در حال توسعه که امکانات جهانی را به نسبت عکس مصرف می‌نمایند، بیانگر مشکلات جدی‌ای در فراسوی کشورهای عقب‌مانده - از آن جمله ایران که سعی دارد در جرگه کشورهای در حال توسعه خود را نگاه دارد - می‌باشد. (۱۶) مأسفانه شکاف اقتصادی فوق در سطح جهانی، مستقل از خواست ما در حال عمل کردن است و متفکران و کارگزاران خاص خود را یافته است و ما با اجبار هزینه‌های آن را می‌پردازیم. نکته‌ای که منجر شده تا حدودی تأثیرات این شکاف کاهش یابد، به عدم وجود اجبار بین‌المللی برمی‌گردد که به کشورها اختیار آن را داده تا به موافقتنامه‌های مربوط ملحق شده یا سرباز زنند. البته روند آتی چنان روشن نبوده و معرف وجود فشارهای غیرمستقیمی است که کشورها را به قبول این موافقتنامه و در نتیجه اعمال اصلاحات وادار می‌سازد. به عنوان مثال می‌توان به شرایط تأثیرگذار صندوق بین‌المللی پول اشاره داشت که کشورها نهایتاً به خاطر بهره‌مندی از وام‌های صندوق مجبور به پذیرش آنها - علی‌رغم خواست اولیه‌شان - شده و تن به نتایج اصلاحی آنها می‌دهند. (۱۷) در نتیجه امکان فعال شدن هر چه بیشتر این شکاف نیز در دهه آینده می‌رود که با توجه به بُعد داخلی مسأله، میزان خطرآفرینی را افزایش می‌دهد.



در مجموع مقوله فقر و مشکلات اقتصادی در دههٔ آتی به مثابه خطری جدی برای سلامت حکومت اسلامی تلقی می‌شود. توجه به تأثیرات منفی سیاسی ناشی از شکاف فقیر و غنی، نکتهٔ مهمی است که باید در دستور کار دولت جمهوری اسلامی قرار گیرد. (۱۸)

دوم) شکاف سیاسی:

الف) بُعد داخلی: متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومت اسلامی در ایران، شکاف انقلابی / غیرانقلابی در داخل ایران شکل می‌گیرد که منجر به تفکیک نیروهای پیرو امام (ره) از احزاب و دستجاتی می‌شد که به نحوی نظریه حکومتی امام خمینی (ره) را نمی‌پذیرفتند. این شکاف در دههٔ گذشته دو تفسیر بارز داشته است.

● تفسیر اول متعلق به دوره اول حیات حکومت اسلامی و تقریباً تا اواخر عمر مجلس دوم به طول می‌انجامد. در این دوره «غیرانقلابی» به گروههایی چون منافقین، توده‌ای‌ها، ... و در نهایت به گرایش‌های ناسیونالیستی اطلاق می‌شد که به نحوی با اصول مبارزه اسلامی همراه نبوده، اهداف دیگری را دنبال می‌کردند. (۱۹)

● تفسیر دوم متعاقب یک دوره فترت کوتاه - که حکایت از پیروزی انقلابیون به گروههای ضد انقلابی داشت شکل می‌گیرد. گروههای ضد انقلابی - اعم از مجاهدین خلق، توده‌ای‌ها، کومله، دموکرات و... به خاطر توسل به رفتارهای خشن و اقدام‌های تروریستی، سریعاً از سوی مردم طرد و انقلابیون طرفدار امام (ره) بر فضای سیاسی کشور حاکم شدند. اما با نزدیک شدن به دوره سوم از حیات مجلس شورای اسلامی، درمسائل کلان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین دو جناح از انقلابیون تفاوت بینش بوجود می‌آید و در نتیجه تفسیر دوم از انقلابی / غیرانقلابی شکل می‌گیرد. از این منظر انقلابیون در گفتمان سیاسی تازه به گروههایی همچون راست و چپ و گروههای میانه و مستقل تقسیم می‌شوند که گذشته از صحت یا عدم صحت این الفاظ حکایت از شکل‌گیری شکاف تازه‌ای داشت. (۲۰)

شکاف سیاسی داخلی را باید شکافی فعال قلمداد کرد که متأسفانه در حال تهییج می‌باشد و به نظر می‌رسد که در صورت عدم توجه کافی می‌تواند خطرساز نیز باشد. البته بیشتر تفسیر دوم از انقلابی /



غیرانقلابی هم اکنون نقش آفرین است و با توجه به رسوایی گروه‌های ضدانقلابی در دهه اول انقلاب، بنظر نمی‌رسد که این تفسیر بتواند موجد تأثیر مهمی باشد.

جناح‌بندی‌های ایجادشده در درون نظام سیاسی کشور در یک دهه گذشته، و طی مدت کوتاهی توانسته‌اند به بنای ایدئولوژی‌های مناسب حال خود بپردازند و تفاسیر رادیکال و محافظه‌کارانه و... از ولایت فقیه ارائه دهند که هریک توسط نظریه‌پردازانی تبلیغ می‌شوند. متأسفانه تضاریات سیاسی به شکل وسیعی در جامعه مورد اقبال قرار گرفته و ما شاهد سیاسی‌شدن حوزه‌هایی چون تحقیق، آموزش، صنعت و... می‌باشیم که بعضاً بر اصول بنیادینی چون منافع ملی و امنیت ملی هم برتری می‌جویند.^(۲۱) نتیجه آن که ما با شکافی سیاسی در حوزه داخلی مواجه هستیم که اعضای دو طرف شکاف اکثراً متعلق به جناح انقلابی دهه اول انقلاب می‌باشد افرادی که به دلیل ارائه معیارها و تفاسیر تازه‌ای از «انقلابی» از یکدیگر تمییز یافته‌اند و با القابی چون راست، چپ، محافظه‌کار، لیبرال و... مشهور شده‌اند بدیهی است که این شکاف تأثیر منفی زیادی داشته و نمی‌تواند مورد تأیید دلسوختگان انقلاب و بنیانگذاران اولیه آن باشد.^(۲۲)

ب) بعد خارجی: انقلاب اسلامی از جمله پدیده‌های سیاسی مهم قرن بیستم می‌باشد که بدون شک در سطح بین‌المللی تأثیرات بسزایی را به جای گذارده است. از این حیث در گستره بین‌المللی می‌توان دو گروه عمده را نسبت به موضع‌گیری‌شان در قبال انقلاب اسلامی از هم تفکیک نمود:

اول؛ گروهی که جزو موافقان انقلاب اسلامی به حساب می‌آمدند و در کنار جمهوری اسلامی ماندند. دوم، گروهی که با بی‌تفاوتی و یا مخالفت نظری و عملی‌شان، به نحوی در مقابل انقلاب ایران ایستادند.^(۲۳) آنچه در دو دهه گذشته تجربه شده، حکایت از صف‌بندی طیف وسیعی از کشورها - اعم از مسلمان و غیرمسلمان، جهان سومی و اولی، شرقی و اروپایی و... در مقابل ایران دارد به گونه‌ای که تجلیات آن را در دوران جنگ تحمیلی و حتی دوران سازندگی به خوبی می‌توان دید.^(۲۴)

در این دوره است که تعدادی از کشورها به عنوان دشمنان اصلی انقلاب





(همچون آمریکا، اسرائیل) و تعدادی به عنوان کشورهایی که ایران را برای حیات بین‌المللی خطرناک می‌دیدند (همچون انگلیس، فرانسه و اکثر کشورهای اروپایی) و تعدادی به عنوان اینکه ایران تفسیری از اسلام ارائه داده که جهان اسلام را دچار شوک ساخته (همچون عربستان، امارات، کویت و...)، در مقام مقابله با ایران برمی‌آیند و صف واحدی را علیه جمهوری اسلامی شکل می‌دهند^(۲۵) تحریم‌های سیاسی و اقتصادی ایران، هشت سال جنگ تحمیلی، تهدید نسبت به امنیت ملی ایران، ارسال سلاح و حمایت از گروه‌های معارض، اقدامات تروریستی، حملات فرهنگی و... تماماً ناشی از شکاف سیاسی بین ایران از یک طرف و دشمنان ایران از طرف دیگر، در سطح بین‌المللی می‌باشد که به شکل تندی در دوران جنگ تحمیلی خود را نشان داد. اگرچه خاتمه جنگ تحمیلی قدری به تخفیف آثار ناشی از این شکاف کمک کرد ولیکن مهمترین تحول در این زمینه با روی کار آمدن حجة الاسلام خاتمی رخ داده که شاهد به حداقل رسانیدن آثار منفی ناشی از این شکاف می‌باشیم.^(۲۶)

در مجموع سیاست‌های کلان تنظیمی از سوی نهادهای مؤثر همچون رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام توانسته است در ابعاد مختلف به کاهش تنش در عرصه بین‌المللی منجر شود. البته نباید فراموش کرد که جبهه مقابل نیز در این ارتباط نقش مؤثری داشته و به اقتضای شرایط موجود، مجبور به پذیرش اصول تازه‌ای شده که حکایت از یأس و ناامیدی آنها نسبت به سیاست‌های خصمانه پیشین‌شان دارد.

سوم) شکاف فرهنگی: انقلاب اسلامی را باید نتیجه احیاء فرهنگ اسلامی دانست قابلیت‌های خود را آشکار ساخته است. تفاوت ماهوی این فرهنگ با سایر فرهنگ‌ها، شکاف تازه‌ای را ایجاد می‌نماید:

الف) بُعد داخلی: نظر به استقبال گسترده مردم ایران از نظام ارزشی پیشنهاد شده از سوی حضرت امام خمینی(ره) و التزام اکثریت مردم به مبانی دینی، متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی شاهد تأسیس جامعه‌ای دینی باشیم که در گذر از زمان حدود و ثغور آن بیش از پیش تعریف و روشن می‌شود، سلطه روحیه انقلابی بر مردم مسلمان ایران و فضای معنوی ناشی از حضور گسترده و خالصانه مردم و مسؤولان در صحنه جنگ تحمیلی، منجر به آن شد که ما چیزی تحت عنوان شکاف بین طرفداران ارزش‌های دینی از یکطرف و افراد

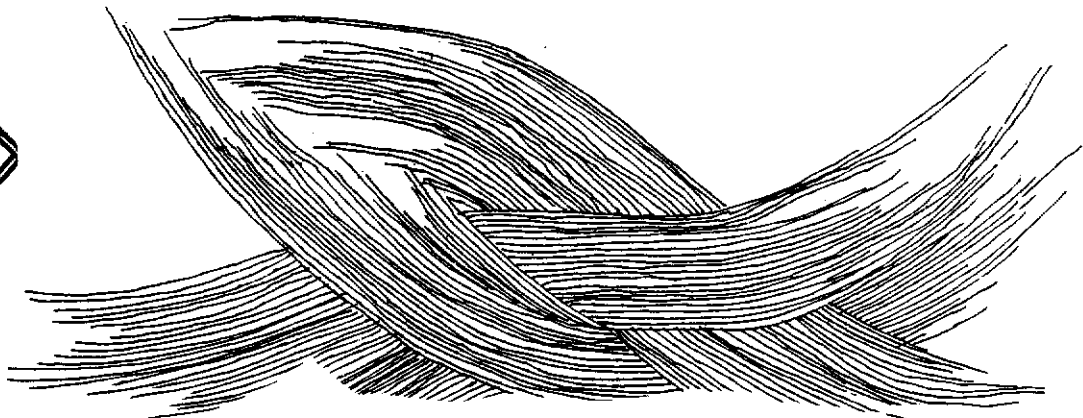


ضد ارزشی از طرف دیگر، در سال‌های اولیه انقلاب را تجربه‌نمائیم. اما با گذشت زمان و بروز مشکلات داخلی و هجمه‌های فرهنگی از خارج، کم‌کم جریان‌های تازه‌ای در توده مردم و جمع مسؤولان شکل گرفت که نشان دهنده رشد و حیات عوامل ضد ارزشی می‌باشد. نارسایی‌های همچون رشوه، بدحجابی، مفاسد اجتماعی، اختلاس و... را باید نمودهای بارز احیاء شکاف فرهنگی در بُعد داخلی دانست به گونه‌ای که امروزه می‌توان از آن به مثابه شکافی در آستانه فعالیت یاد کرد.

بروز برخوردهایی چند میان بعضی از هواداران هر دو گروه که منجر به شهادت بعضی از آمران به معروف و ناهیان از منکر و یا متقابلاً پلطمه دیدن افرادی شده است که ناآگاهانه از پاره‌ای از ظواهر غربی تبعیت می‌نموده، ناشی از بروز همین شکاف می‌باشد. این شکاف اگرچه از حیث نظری پشتوانه‌های محکمی دارد و در پژوهش‌های اجتماعی از آن به روش‌های ویژه بیان اعتراض به سبک غیرمستقیم یاد می‌شود.^(۲۷) اما در داخل کشور ما بومی نشده و عملاً رهبر و نظریه‌پردازی برای آن نمی‌توان سراغ گرفت. لذا صحنه سیاسی مظاهر فساد اجتماعی اندک بوده، بیشتر ناشی از تبلیغ و یا مشکلات واحله‌ای است که راه بر ازدواج، کار مفید و زندگی سالم جوانان سد کرده‌اند. با اینحال روند فوق از آن جا که حکایت از افزایش میزان جرایم، مفاسد اجتماعی، تعداد طلاق‌ها و در کل حاکمیت روحیه‌ای غیر از روح اسلامی برجا دارد می‌تواند مشکل ساز باشد و این آمارها از این حیث هشدار دهنده می‌باشند.^(۲۸) در مجموع اگر برای جبران کاستی‌های این شکاف سیاست صحیحی طراحی و اجرا نشود، شکاف مزبور در دهه سوم حتماً در حد نیمه‌فعال ظاهر خواهد شد.

ب) بُعد خارجی: با توجه به اصالت ارزش‌های دینی و تفاوت آن با نگرش سکولار این شکاف از همان روز اول تأسیس حکومت اسلامی در سطح منطقه‌ای و جهانی رخ نمود. از این منظر جهان به دو قسمت «خودی» و «غیرخودی» تقسیم می‌شود که در هر مرتبه‌ای از تفسیر، مصادیق آن تغییر می‌کند. تصویر جهانی عاری از شکاف فرهنگی، محال می‌نماید و چنین گمانی به سیاست‌های استعمارگرایان و توتالیتر دامن می‌زند که از بنیان مردود و از حیث تاریخی شکست خورده‌اند.^(۲۹)

آنچه لازم است، نه امحاء شکافهای فرهنگی، بل نهادینه کردن آنها به شکلی است که به میزان معقولی تأثیرگذار باشند. باید به الگوئی از همزیستی دست یافت که به بهترین وجهی در حکومت نبوی(ص) به



نمایش گذارده شده است. در قالب این الگو امکان همکاریهای متعارف در سطحی پایین تر از ارزش‌های بنیادین طرفین وجود دارد. بدین صورت که طرفین شکاف با حفظ ارزش‌های خود، در حوزه‌هایی چون سیاست، اقتصاد و... با یکدیگر همکاری می‌نمایند.^(۳۰) تجربه انقلاب اسلامی از این حیث مثبت ارزیابی شده و همسو با اصول اسلامی می‌باشد. مهمترین مانع برای گسترش این گفتگوهای فرهنگی، تلاش‌های غیرفرهنگی‌ای است که به صورت غیراستدلالی و هجوآمیز، متوجه مبانی فرهنگی شده و در نتیجه با بروز واکنش‌هایی چند فرآیند تعامل را به تعطیلی می‌کشاند. از این منظر، تلاش مذبوحانه سلمان رشدی را می‌توان مصداق بارز موانع موجود بر سر راه گفتگوهای فرهنگی دانست که غرب با حمایت سیاسی خود از او به تعمیق شکاف فرهنگی کمک کرد تا تلاش برای امحاء آن.^(۳۱)

چهارم) شکاف نظری: مبنای نظری حکومت اسلامی در ایران را ولایت فقیه امام خمینی (ره) شکل می‌دهد. با اینحال پس از گذشت یک دهه زمینه بروز اختلاف‌نظرهایی در این زمینه فراهم می‌گردد.

الف) بُعد داخلی: بُعد داخلی شکاف نظری را باید متعلق به دهه دوم انقلاب دانست، اگرچه ریشه‌های آن در سالهای واپسین دهه اول نیز قابل مشاهده است. در دهه اول میان بازیگران اصلی عرصه سیاست و حکومت در تفسیر ارایه شده از «ولایت فقیه» نوعی انسجام نظر وجود داشت که راه را بر منازعات و ادعاهای احتمالی سد می‌نمود. در این دوره سئوالات مطرح‌شده از سوی انقلابیون نسبت به نظریه ولایت فقیه، ناظر بر مبانی اولیه آن نبوده و بیشتر بر کارکردهای ثانوی آن در مقام حل مسایل سیاسی - اجتماعی دلالت دارد که با استفتاء از حضور امام (ره) حل و فصل می‌شدند.^(۳۲) لذا ادعای وجود شکاف در این دوره چندان صحیح و مطابق واقع نیست. اما متعاقب ثبات انقلاب اسلامی، روشن شدن زوایای ریز حکومت و طرح ایران در سطح



جهانی جمهوری اسلامی با پرسش‌های تازه‌ای روبرو می‌گردد که ضرورتاً پاسخ‌های یکسانی از جانب هواداران نظام نمی‌گیرد.

جریان اول؛ را می‌توان قائلان به اصالت نظریه ولایت فقیه معرفی کرد. در درون این جریان دو طیف از افکار مطرح شده است. گروهی که رویکرد توصیفی تشریحی نسبت به تئوری امام(ره) دارند و تمام سعی و تلاششان آن است که این نظریه را از ابعاد فقهی - حقوقی شکافته، مستندات و تأییدات شرعی آن را برای مخاطبان‌شان بیش از پیش روشن تر سازند.^(۳۳)

طیف دوم از این جریان، سعی دارد ولایت فقیه را در قالب گفتمان روز فهم کرده، نسبت آن را با مبادی و مبانی فکری عصر حاضر دریابد.^(۳۴) در مجموع دو طیف فوق، نسبت به اصالت نظریه ولایت فقیه امام نظر مشترک داشته و سعی بر حفظ آن با طرق استدلالی مختلف دارند.

جریان دوم که از بطن گروه‌های انقلابی هوادار ولایت فقیه امام(ره) در اوایل انقلاب خارج شده‌اند، بعضاً از همان اوایل انقلاب وجود داشته و لیکن یا به صورت نهانی اظهار می‌شده‌اند و یا اینکه به خاطر پاره‌ای ملاحظات، لحن گفتاری آنها چنان نبوده که مخاطبین را به اغراض اصلی واضعان آن آگاه سازد. به هر حال گرایش‌هایی که سعی در تقلیل ولایت فقیه به خواست‌ها و آرمان‌های حزبی و جناحی دارند، یا آنهایی که با تمسک به نظرات متنوعی که در تاریخ فقه سیاسی اسلام وارد شده‌اند، سعی در طراحی الگویی از ولایت فقیه دارند که با الگوی امام(ره) به میزان زیادی متفاوت است، یا آنهایی که از فرصت حاصله بهره جسته دم از نفی مشروعیت و اصالت ولایت فقیه می‌زنند، - اگرچه در کنار هم آوردن این گروه‌ها دلالتی بر ارتباط آنها با یکدیگر و یا هم‌ارزشی آنها ندارد - در مجموع طرف مقابل شکاف مورد نظر را تشکیل می‌دهند. این تفاسیر بعضاً با قدرت سیاسی - اجتماعی گره خورده و در چارچوب اهداف حزبی و گروهی تعریف شده‌اند و هم‌اکنون - متأسفانه - نوع تفسیر از ولایت فقیه به یک شاخص تمییز دهنده گروه‌ها درآمده است.^(۳۵) الگوی مطلوب آن است که جناح‌های سیاسی هوادار امام(ره) حداقل به برداشت سیاسی واحدی از ولایت فقیه رسیده و تنوع آراء به روش‌های اجرایی محدود شود. در ضمن وجود اختلاف در تفسیر اصل ولایت نیز تا آنجا که به شاخصه تعیین، تبدیل نشده می‌تواند به عنوان یک بحث علمی، مفید ارزیابی شود چنانکه این مباحث از دیرباز وجود



داشته‌اند اما بیشتر از این حد، به معنای اختلاف در سیاست عملی و بروز شکاف اجتماعی است که تأثیر مطلوبی بر جریان انقلاب و حکومت اسلامی ندارد.

ب) بُعد خارجی: پیروزی انقلاب و تأسیس حکومت اسلامی در ایران را باید آغازگر راه تازه در عرصه سیاست تطبیقی قلمداد کرد. ایران با بنای حکومت عملاً اردوگاه تازه‌ای را بنیان نهاد که به «حکومت مبتنی بر اصول تشیع» مشهور می‌باشد. لذا می‌توان چنین گفت که در کنار شکاف‌هایی از قبیل لیبرال / غیرلیبرال، و... مسئله تازه‌ای در حوزه نظام‌های سیاسی در گستره جهانی پدید آمد که از آن به شیعی / غیرشیعی یاد می‌شود.

شکاف فوق‌الذکر، در ابتدای انقلاب اسلامی از سوی مخالفان و معاندان بسیار تهییج و تبلیغ می‌شد و غرض آن بود که ملاحظات نظری را با علایق سیاسی پیوند زده، به نحوی سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار قرار دهند. این تلاش مخالفان تا حدودی قرین توفیق واقع شد و در آن دو طیف مشخص وجود داشت: اول کشورهای غیراسلامی‌ای که جمهوری اسلامی را از حیث نظری برای آرمان‌های لیبرال و انسان‌مدارانه خود خطرناک می‌دیدند و از نظر مادی نیز، منافع نامشروعشان را به واسطه طرح سیاست استقلال سیاسی - اقتصادی ایران و بسط آن به کشورهای منطقه به جهان سومی، در شرف زوال می‌دیدند. لذا بدیهی بود که هیچ‌گونه تعلق خاطر به ایران و خواست مردمش نداشته به جد در پی تضعیف و براندازی آن برآیند. گروه دوم که علی‌رغم اشتراکات کلان دینی با ایران، از ترس منافع مادی به طرف کشورهای مخالف ایران متمایل شده، سعی در براندازی نظام اسلامی ایران می‌نماید، به عنوان مثال عربستان که از نظر دینی و منافع منطقه‌ای بیشتر به جمهوری اسلامی نزدیک بود تا آمریکا، حاضر می‌شود در جناح مقابل ایران قرار گرفته و علیه ما اقدام نماید. این سیاست نادرست نتیجه سیاسی‌کردن شکاف نظری شیعی / غیرشیعی از سوی دشمنان ایران و بهره‌برداری از این فضا می‌باشد. (۳۶)

جمهوری اسلامی طی تجربه‌ای معادل بیست سال چهار شکاف عمده را پشت سر گذاشته است. این شکاف‌ها دارای دو بُعد داخلی و خارجی می‌باشند که معمولاً با هم در ارتباط نیز می‌باشند. جدول زیر ماحصل

تاملات جامعه‌شناسانه ما در این فصل می‌باشد. (جدول شماره ۳)



جدول شماره (۳): گسست‌های چهارگانه در جامعه ایران و ارزیابی میزان تأثیرگذاری شان در آینده

| میزان تأثیر - گذاری در آینده | عناصر تأثیرگذاری | | | | وضعیت وجود ایدئولوژی | طرفین | قلمرو | گسست |
|------------------------------------|------------------|-----------------|------|----------------------------|----------------------------|------------|-------|---------|
| | وجود رهبری | | | استعداد واقبال عمومی | | | | |
| | سیاستگذار | بسیج‌گر | فکری | | | | | |
| زیاد | خیر | خیر | خیر | زیاد | بله | فعال | داخل | اقتصادی |
| بسیار زیاد | بله | خیر | بله | زیاد | بله | فعال | خارجی | |
| بسیار زیاد | خیر | در حال شکل‌گیری | بله | زیاد | بله | فعال | داخلی | سیاسی |
| کم | خیر | خیر | بله | کم | بله | غیر فعال | خارجی | |
| متوسط | خیر | خیر | خیر | متوسط | بله | فعال | داخلی | فرهنگی |
| کم | خیر | خیر | بله | کم | بله | بیمه فعال | خارجی | |
| بسیار زیاد | خیر | بله | خیر | زیاد | بله | بسیار فعال | داخلی | نظری |
| کم | خیر | خیر | خیر | کم | بله | غیر فعال | خارجی | |

استراتژی حکومتی حضرت امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) از ابتدای انقلاب، تا تأسیس حکومت اسلامی و هدایت جریان امور در جمهوری اسلامی ایران، پیرو استراتژی شخصی بودند که در رشد آیه کریمه (فتح - ۲۹) داشت:

محمد فرستاده خداست و یاران او بر یکدیگر بسیار مشفق و بر کافرین سخت‌گیر هستند.

بنابراین امام (ره) یک گسست کلی در گستره جهانی را ترسیم کرده بودند لذا در هر مرحله تاریخی چون در مسایل اصولی اتفاق نظر حاصل می‌آمد، امام (ره) از پذیرش همیاری، همکاری سایر گروه‌ها دریغ نمی‌ورزیدند. مشاهده می‌شود که سعی اولیه امام (ره) بر از بین بردن شکاف فقیر - غنی، نزدیک کردن هر چه بیشتر افراد و گروه‌های انقلابی به یکدیگر، امحاء شکاف ارزشی با گسترش تربیت اسلامی و نهایتاً آرایه جذابی از ولایت فقیه که ضمن بهره‌وری از مبانی فقه جواهری، پاسخ‌گوی نیازهای فعلی است، می‌باشد.

در گستره جهانی نیز، امام (ره) به دنبال تقویت مبانی اقتصادی کشور و نیل آن به استقلال لازم برای حفظ جایگاه درخوری در معاملات جهانی بودند. از نظر سیاسی به جز چند کشور خاص همکاری‌های متعارف با



سایر کشورها را جایز و ضروری دانسته و بویژه بر نفی شکاف‌های تصّعی بین کشورهای اسلامی تأکید داشتند. همین وضعیت در حوزه نظری (تئوریک) نیز قابل مشاهده است به گونه‌ای که شکاف شیعی / غیرشیعی را به هیچ‌وجه دامن نزدند. اما در حوزه فرهنگ شکاف غیرخودی / خودی برای امام(ره) اهمیت ویژه‌ای داشت که مقتضای زمان تأسیس و معرفی جامعه تازه اسلامی بود.

الف) گسست‌های داخلی: بینش امام(ره) در این بُعد کاملاً مبتنی بر اصل وحدت و جذب نیروهایی بوده که به نحوی می‌توانست با جریان کلی انقلاب همراه شوند. امام(ره) قایل به یک گسست بودند و آن هم «خودی / دشمن» که مطابق نظر ایشان، دشمنان افرادی بودند که در مقام براندازی انقلاب اسلامی برآمده بودند، به عنوان مثال در هر چهار محور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظری، مشاهده می‌شود که:

۱- در بعد اقتصادی تأکید تمام بر رفع تبعیض و توجه به محرومان داشتند به گونه‌ای که شکاف فقیر / غنی در جامعه اسلامی از میان برود. شاید هیچ موضوعی به این اندازه مورد توجه حضرت امام(ه) نبوده که کراراً می‌خوانیم: دولت موظف است بیش از همه به طبقات محروم برسد و رعایت حال ایشان بکند. ضمناً خود دولت‌مردان نیز برای راحتی خیال محرومان باید در ساده‌ترین وضع ممکن به سر ببرند تا این شکاف کشنده، بر محرومان بیش از این فشار وارد نسازد.^(۳۷) نگرش اقتصادی امام متوجه محرومان بود که در آن شرایط با تأیید مهندس موسوی خود را نشان می‌دهد.

۲- در حوزه سیاسی نگرش امام(ره) آنقدر فراخ بود که به هنگام مبارزه، طیف متنوعی از نیروها را برگرد اصل اولیه سقوط رژیم پهلوی و تأسیس حکومت اسلامی گرد آورده و به هنگام تأسیس نیز با رعایت چارچوب اصلی، بر «جمهوری‌بودن» نظام هم تأکید ورزیده در مقابل کسانی که تقاضای تأسیس «حکومت اسلامی» و یا «حکومت جمهوری» بودند، ایستادند و اظهار داشتند: حکومت جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد. جهت درک این مطلب که امام(ره) با صفت‌بندی‌های امروزی در حوزه نیروهای خودی که قصد براندازی یک دیگر را ندارند، تذکار یک واقعیت ساده و مهم ضروری می‌نماید و آن هم اینکه، ایشان حتی راضی به طرد کسانی که در ذیل عنوان «مجاهدین خلق» گرد آمده بودند و برای براندازی نظام سلاح برداشته بودند، نبودند.

لذا خطاب به این جوانان فریب‌خورده کراراً پیغام می‌دادند که:



من سفارش می‌کنم به این اشخاصی که از این گروهها بازی خورده‌اند، اینها یک مقایسه‌ای بین حکومت حالا و حکومت سابق بکنند... و بعد ببینند واقعاً راهشان چه راهی است؟...^(۳۸) ما میل نداریم که شما هر وقتی گرفتار شدید جوری باشد که اسلام حکمی جزئی کرده باشد و دادگاهها نتوانند تخلف بکنند. ما میل داریم که جوری باشد که دست این دادگاهها باز باشد برای اینکه شما را عضوان کنند، شما را رهاتان کنند.»^(۳۹)

طمع در عضویت مجدد معاندین در جرگه انقلابیون با اوج روحیه جاذبه امام(ره) می‌باشد که در سیره عملی امام(ره) نیز تجلی دارد. به عنوان مثال، اقدام انقلابی امام(ره) در تکلیف نمودن مرحوم بازرگان به تأسیس دولت موقت آن هم در ابتدای راه، معنای جاذبه را برای پیروان خط امام(ره) تبیین می‌کند. اما آنچه که امام(ره) در مقابله با ملی‌گرایی فرموده‌اند، جنبه واکنشی داشته و برای جلوگیری از پخش ایده‌های یکسویه در جامعه بوده است. مثلاً چون خبرنگار روزنامه آلمانی «دنیای سوم» سعی می‌نماید ایرانی بودن را در مقابل با اسلامی بودن قرار دهد ایشان اظهار می‌دارند:

«اسلامی بودن، بیش از ایرانی بودن بین افراد ملت ایران روابط مستحکم برقرار کرده است.»^(۴۰)

لذا کلیه تست‌های سیاسی در حوزه داخلی از منظر امام(ره) مردود بودند و تا آنجا که جنبه اختلاف سلیقه داشتند تأیید می‌شدند. روحانیت و روحانیون مبارز، به عنوان دو سلیقه سیاسی در درون تفکر سیاسی اسلامی از سوی امام پذیرفته شد، اما فعالیتهای صنفی و حذفی را توجیه و مجاز ندانسته شدیداً نهی می‌کردند. لذا خارج کردن یاران امام(ره) و انقلاب تحت عناوینی چون راست و چپ، قطعاً با سیره عملی و نظری امام(ره) مطابق نبوده و در مقابل آن قرار دارد.

۳- شکاف ارزشی - ضدارزشی البته در جامعه ایران متعاقب انقلاب بسیار نقش‌ساز بود و این اقتضای تأسیس حرکت اسلامی بود که با فرهنگش شناخته می‌شد و لذا در اولین برخورد بر نقاد فرهنگی غنی‌اش تأکید داشت. البته سیاست امام(ره) تهییج این شکاف نبود، بلکه بالعکس خطا را متوجه متولیان امور فرهنگی - همچون دانشگاهها، سازمانهای تبلیغی، مساجد رادیو و تلویزیون، مطبوعات و کلیه دولتمردان^(۴۱) نموده، بروز هرگونه فعالیتی در این حوزه را ناشی از کمکاری آنها می‌دانستند، به عنوان مثال در خطابی

سیب‌شناسانه می‌فرمایند:

«از اولی که رادیو و تلویزیون در اختیار جمهوری اسلامی واقع شد، راجع آن نگرانی داشتم برای اینکه این سازمانی است که اگر خوب باشد، مملکت ما خوب - شود و اگر فاسد باشد ممکن است که بسیار فساد ایجاد کند...» (۴۲)

به همین خاطر است که مشاهده می‌شود با حاکمیت روحیه دینی بر باطن جامعه، ظاهر آن اصلاح شد و جامعه روند اصلاحی خود را طی می‌کند.

۴. بحث از ولایت فقیه اگرچه در دوره امام(ره) چندین بار به تهییج فضای فکری جامعه منتج شد ولیکن نظر به اکثریت پیروان این دیدگاه و عدم توجه عمومی به نظرگاه اقلیتی، چندان تأثیرگذار نگردید و عملاً دیدگاه امام خمینی(ره) به اجرا درآمد. استعداد بالای امام(ره) در به نمایش گذاران ولایت مطلقه‌ای که در آن مردم، منفکران و اصحاب قلم نیز نقش داشتند، به گونه‌ای که میزان رأی مردم می‌شد - بهترین دلیل برای خاموش کردن این شکاف بود. لذا امام(ره) به هیچ وجه تفسیری مستبدانه از ولایت را - آن‌گونه که برخی گمان می‌کردند - ارایه نکردند و با اعطاء سهم بسیار، هر عنصر به شکاف مزبور فایق آمدند. بحث از ولایت فقیه و نقش و جایگاه مردم، موضوع مستقلی است که پیرامون آن بسیار تحقیق شده است. (۴۳)

(ب) کسب دست‌های خازج: در گستره جهانی، اگرچه نگرش عمومی به جمهوری اسلامی، چندان مساعد نبود، اما با اینحال استراتژی کلان امام(ره) در چهار حوزه سابق را می‌توان موفق ارزیابی نمود:

۱- حضرت امام(ره) در زمانی که اذهان، متوجه ارزشهای دینی بود و کمتر به مقولاتی چون اقتصاد جهانی توجه می‌شد، صراحتاً این بُعد را مورد تأکید قرار داده به عنوان یکی از اصول اصلی برنامه دولتهای مختلف بهبود آن را خواستار شدند. برای این منظور امام(ره) مردم را به قناعت و همکاری با دولت، سیاست‌نگران را به جدیت، افراد و گروهها را به جهاد اقتصادی و دولت را به همکاری با سایر دول مشابه، (۴۴) دعوت نمودند تا از این طریق بنیان اقتصادی کشور رونق گرفته، شکاف بین کشور ما با سایر کشورهای پیشرفته کاهش یابد.

۲- در ارتباط با سیاست جهانی امام(ره) استراتژی صلح و وحدت را خواهان بودند و فقط در مورد کشورهایی چون اسرائیل، آمریکا و آفریقای جنوبی (در دوره آپارتید) بود که حکم استثناء خورده بود. حضرت امام نیز خود صراحتاً اظهار داشته‌اند: «ما صلح می‌خواهیم... ما می‌خواهیم مسالمت با همه دنیا داشته





باشیم»^(۴۵) در مورد کشورهای اسلامی این تأکید بیشتر می‌شود و اصل وحدت عنوان می‌گردد:

برنامه ما که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است اقتدار ممالک اسلامی امت، برادری با جمیع مسلمین است در تمام نقاط عالم^(۴۶) ... پیام من برای برادران عرب و مسلمان این است که بیایید و اختلافات را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و همگام و هم‌پیمان با همه برادران مسلمان غیرعرب، تنها اسلام را تکیه‌گاه خود قرار دهید.^(۴۷)

بدین ترتیب در عرصه سیاست خارجی امام (ره) سعی داشتند با تأکید بر اصل صلح‌طلبی و اخوت، شکافهای موجود را از بین برده، وحدتی عام را جایگزین سازند.

۳- حضرت امام (ره) بنا به اقتضای حرکت انقلابی‌شان، لاجرم تکیه بر شکاف ارزشی خودی / غیرخودی را به عنوان یک استراتژی برگزیدند تا بتوانند شأن و جایگاه ایران را تثبیت نمایند. لذا شاهد تأکید امام (ره) بر این نکته بودیم که جهانیان باید وجود فرهنگ سیاسی تازه را بپذیرند.

بر هیچ یک از مردم و مسئولین پوشیده نیست که دوام و قوام جمهوری اسلامی ایران بر پایه سیاست نه شرقی و نه غربی استوار است و عدول از این سیاست، خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور ملت قهرمان ایران خواهد بود.^(۴۸)

امام (ره) صراحتاً می‌فرمایند چنانچه دنیا در مقابل دین ما بایستد ما نیز در مقابل همه آنها می‌ایستیم.

۴- شکاف تنوریک شیعی / غیرشیعی با اینکه ایران اولین کشوری بود که جمهوری اسلامی مبتنی بر فقه سیاسی تشیع را تأسیس کرده بود، هیچگاه از سوی امام (ره) به مثابه ابزاری برای سرکوب دیگر حکومت‌های اسلامی مورد استفاده قرار نگرفت. امام (ره) اهل تسنن را برادرخوانده^(۴۹) حکومت‌های سنی‌مذهب را به وحدت با ایران دعوت نموده^(۵۰) و در یک کلام معتقد بودند که همگان جزو یک پیکره می‌باشیم:

«الان برسلاطین اسلام، بر رؤسای جمهور اسلام تکلیف است که این اختلافات جزئی و موسمی را که گاهی دارند، این اختلافات را کنار بگذارند، عرب و عجم ندارند، ترک و فارس ندارد.»^(۵۱)

چشم‌انداز آینده

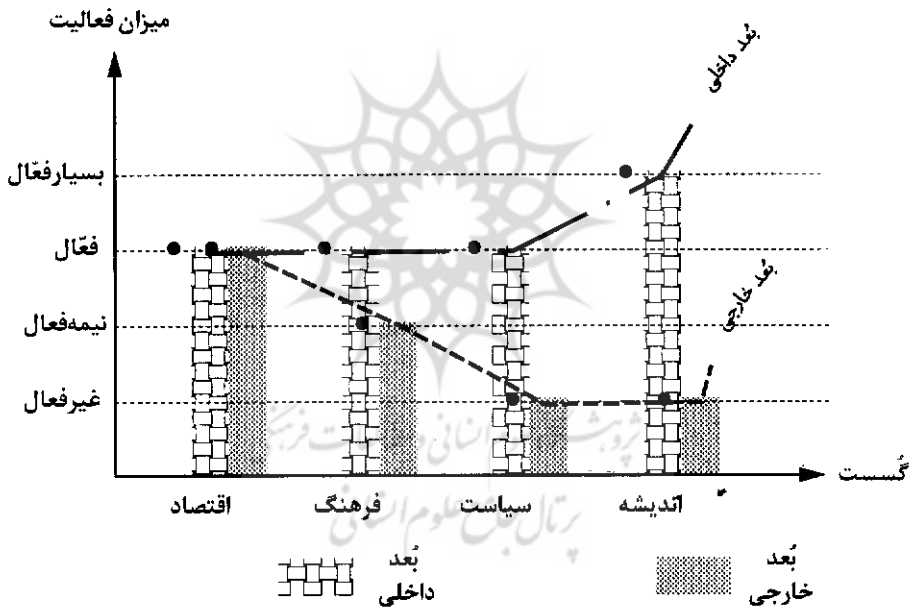
در مجموع دو خطر عمده متوجه حیات عزیزانه انقلاب اسلامی در آینده می‌باشد:



۱- فعال شدن بُعد داخلی شکاف‌های اجتماعی

ارزیابی به عمل آمده در فصل دوم، بیان‌گر این حقیقت می‌باشد که در رهگذر دو دهه از حیات سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی، ابعاد داخلی شکاف‌های چهارگانه نسبت به ابعاد خارجی از تهییج و تحرک بیشتری برخوردار بوده‌اند. (نگاه کنید به نمودار شماره ۴)

نمودار شماره (۴) : میزان تهییج شکاف‌های اجتماعی در دو بُعد داخلی و خارجی



معنای نمودار فوق آن است که در بُعد خارجی حضور حکومت اسلامی بسیار خوب بوده و به میزان زیادی بر شکاف‌های موجود جمهوری اسلامی ایران توانسته است فایق آید. به جز یک مورد اقتصادی که همچنان در حال تعمیق یافتن بوده و تلاش‌های به عمل آمده به بهبود وضعیت چندان کمکی نکرده است. البته در این



خصوص نیاید فراموش کرد که برنامه‌های توسعه تا حدودی در کاهش فرآیند رو به تزاید تعمیق شکاف بین ایران - به عنوان کشوری در حال توسعه - و جهان صنعتی مؤثر بوده‌اند. اما به علت وجود فناوری مدرن و سرعت بیش از حد تحولات اقتصادی در جهان غرب، عملاً تلاش‌های کشورهای همچون ایران تأثیر لازمه را نگذاشته و فاصله اقتصادی همچنان وجود دارد و تأثیرات خود را می‌گذارد.

اما در مقابل حوزه داخلی روندی مخالف با بُعد خارجی را طی کرده است. بدین صورت که فضای منسجم و به دور از تشنجات بنیادین دهه اول، به تدریج گسست برداشته و جناح‌بندی‌هایی متولد شده‌اند که در نیمه دهه اول اصلاً مطرح نبودند. تعبیر صریح در خصوص وضعیت این بُعد آن است که در حوزه داخلی ما نه تنها به کاهش شکافها نپرداخته‌ایم بلکه آنها را تهییج نیز نموده‌ایم!

در نتیجه اگر تهدیدات علیه انقلاب اسلامی را به داخلی و خارجی تقسیم کنیم، دهه سوم دهه طرح تهدیدهای داخلی است. متأسفانه هر چهار گسست فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فکری به نحوی تحریک شده‌اند و هم‌اکنون در حال تأثیرگذاری می‌باشند. جبهه انقلابیون به علل مختلف به تفاسیر متنوعی دل بسته‌اند. تحلیل‌گرانی که از بیرون به عرصه فعالیت‌های سیاسی نگاه می‌کنند، متأسفانه چشم‌انداز پرتنش را پیش روی خود می‌بینند، انتصاب اوصافی چون «ضد ولایت فقیه»، «مخالف رهبری»، «لیبرال»، «سرمایه‌دار»، «متعصب»، «خشونت‌طلب»، «دگراندیش» و... به افرادی که در بستر تحولات انقلابی رشد کرده‌اند و یاران دوران مبارزه و تأسیس حکومت اسلامی بوده‌اند، آن هم توسط افراد و گروه‌هایی از درون جبهه انقلابیون مسلمان، نتیجه نامیمون تهییج شکاف‌های داخلی می‌باشد. از این منظر اصل اولیه و ضروری برای دهه سوم انقلاب اسلامی وحدت گروه‌های مختلف انقلاب است. یعنی همان مطالبی که امام امت کراراً بر آن تأکید داشتند که: «اینجانب با کمال تواضع دست خود را به طرف تمام جناح‌ها که در خدمت اسلام هستند دراز می‌کنم و از همه استمداد می‌کنم که با هم پیوستگی همه جانبه در راه بسط عدالت اسلامی که یگانه راه سعادت ملت است، کوشا باشند... اکنون لازم است وحدت کلمه خود را که به حمد الله حاصل است با کمال جدیت حفظ کنید...» (۵۲)

نکته تأمل‌برانگیز دیگر، تهییج بیش از اندازه گسست نظری در بعد داخلی می‌باشد که به هیچ وجه مثبت ارزیابی نمی‌شود. این که پس از دو دهه، تجربه حکومتی ثنوری ولایت فقیه حضرت امام (ره)، اکنون آن نظریه



معتبر و مشهور - که امام(ره) از فرط بدهاقت آن را مستغنی از هرگونه استدلالی دانسته بودند^(۵۳) و در کمال صداقت مردم و نخبگان فکری - انقلابی آن زمان نیز آن را چنین دیده و پذیرفته بودند، به یکباره چنین مورد تفاسیر متنوع و مختلف قرار می‌گیرد که در پاره‌ای از موارد قابلیت سیاسی‌اش را از دست داده و به برداشتی مسیحی از حکومت و سیاست نزدیک می‌شود، نشان دهنده این حقیقت است که افکار عمومی، چه به شکل طبیعی و چه به شکل تحمیلی، به هر حال دستخوش تحول شده، برای یقینات سابق خود و به دنبال استدلال است. از آن جا که ولایت فقیه، رکن حکومت اسلامی به شمار می‌رود، باید نسبت به تحول فوق حساس بوده، مقدمات لازم برای فایق آمدن برگسست را فراهم آوریم. چنین به نظر می‌رسد که دهه سوم، دهه ولایت فقیه در ایران بوده و حجم قابل توجهی از تأملات نظری متوجه این کانون مهم باشد. به همین خاطر است که باید توفیق در نظریه ولایت فقیه امام(ره) را رسالت علمی تمامی عالمان دلسوز تعریف کرد. تا از این طریق هم نخبگان و هم مردم، پاسخ‌هایی در خور فهم‌شان دریافت کرد. عدم توجه به این مهم، نادیده گرفتن توصیه صریح امام(ه) است.

«انشاءالله تعالی کیفیت تشکیل (حکومت اسلامی) و سایه متفرعات آن را با مشورت و تبادل نظر بدست بیاورند...»^(۵۴)

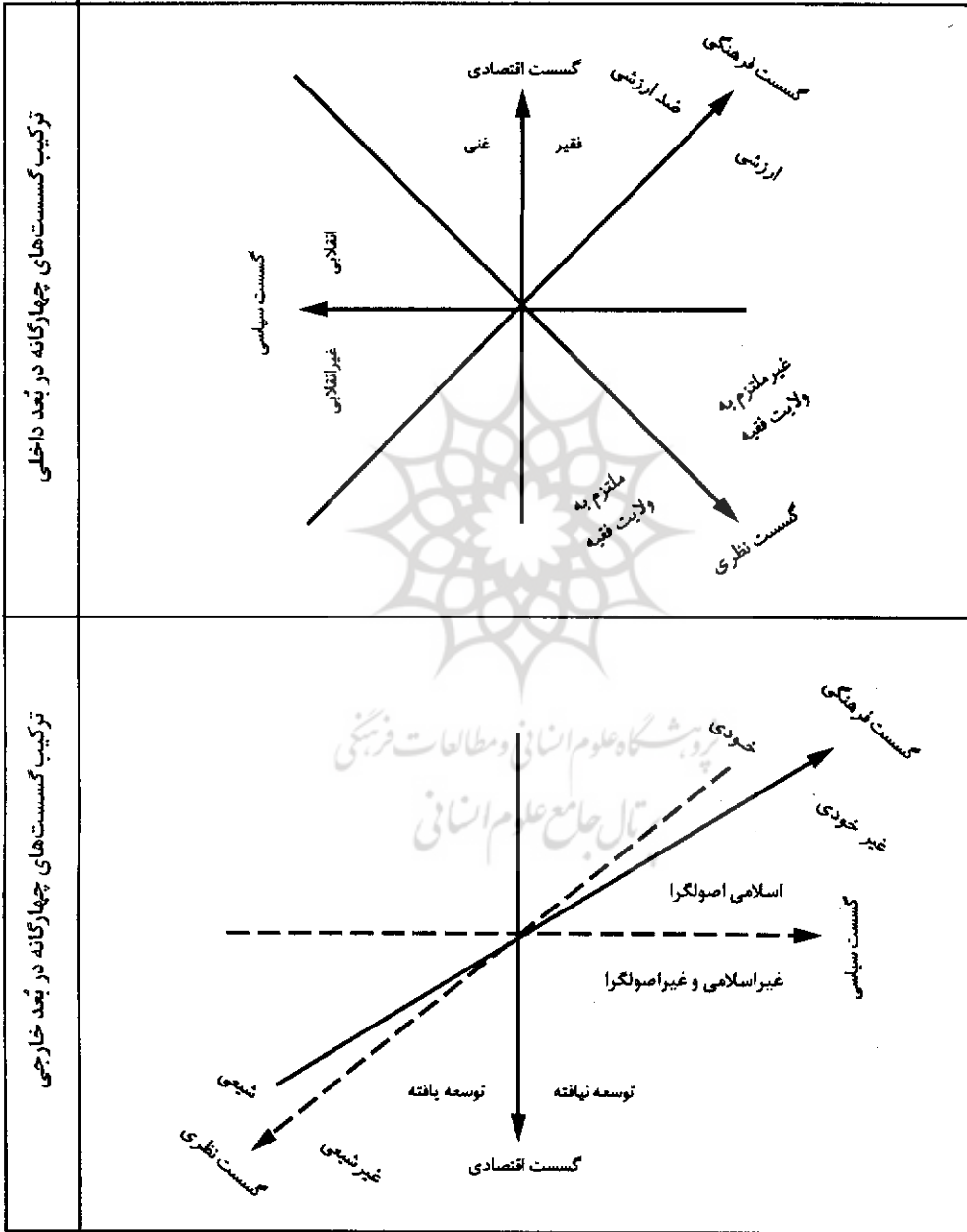
۲- متراکم شدن شکافها در بُعد داخلی

از جمله تهدیدات دیگر نسبت به آینده انقلاب اسلامی، متراکم شدن شکافهای موجود در بُعد داخلی می‌باشد، تراکم شکافها منجر به تقویت آنها شده و در نتیجه میزان تأثیرگذاریشان را در جامعه افزایش می‌دهد. چنانکه از نمودار شماره (۵) برمی‌آید، وضعیت گسست‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فکری در بُعد داخلی نسبت به بُعد خارجی نگران‌کننده‌تر می‌نماید.





نمودار شماره (۵) : ترکیب گسست‌های چهارگانه در دو بُعد داخلی و خارجی





با لحاظ دو نکته مشخص می‌شود که ترکیب فوق در بُعد داخلی از پتانسیل بیشتری برخوردار است و چنانچه توجه نشود، چه بسا در دهه سوم جنبش‌هایی را به دنبال داشته باشد:

اولاً: اگر چه حالت تقاطع در ترکیب شکاف‌های اجتماعی در بُعد داخلی به چشم می‌خورد و لیکن از نقش واسطه‌ای دو شکاف نظری و فرهنگی نباید غافل شد، دو شکاف مزبور با قرارگرفتن در میانه گسست‌های سیاسی و اجتماعی، فاصله آن دو راکاهش داده همچون کاتالیزور عمل می‌نمایند. لذا تجمع چهار شکاف فعال در عرصه داخلی آن هم با ترکیبی اینچنینی، مؤید مدعای تراکم گسست‌ها می‌باشد.

ثانیاً: در مقایسه با بُعد خارجی، معلوم می‌شود که بُعد داخلی به خاطر این که چهارگسستش فعال می‌باشد از حساسیت بیشتری برخوردار است. در بُعد خارجی دو گسست از فعالیت اقتاده‌اند و یکی نیمه فعال است و فقط شکاف اقتصادی است که همچنان نقش ایفا می‌کند. لذا با اطمینان می‌توان اظهار داشت که در دهه آینده گذشته از پاره‌ای از تأثیرات ناشی از شکاف اقتصادی در عرصه جهانی، بیشتر تهدیدات صبغه داخلی داشته، بخصوص از مباحثات نظری منسجم می‌شوند.





1. see. Enrique Iarna, Halink Johnston & Joseph Gusfield, New Social Movements, Temple University Press, Philadelphia, 1994.

۲. حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نی، ۱۳۷۴، ص ۹۹.

3. See: Harald Lasswell S A. Kaplan Powers. Society, London, Routledge S. Kegan Paul, 1952.

4. See. Ibid, esp. chapter 2.

۵. در این ارتباط نگاه کنید به منبع زیر:

حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، پیشین (یادداشت شماره ۲) صص ۱۰۰-۹۷.

6. G. Smith, Politics In Western Europe, London, Heineman, 1972, PP. 11.36.

7. See: A. Etzioni, The Active Society, New York, Free Press, 1968, esp. p. 388. and also K

- Charles Tilly, From Mobilization to Revolution, Addison Wesley, Mass, 1978.

۸. در ارتباط با ایدئولوژی و جایگاه آن در انقلاب هارک.

C. Brinton, The Anatomy of Revolution, New York, 1965.

۹. جهت مطالعه بیشتر در ارتباط با چنین ایدئولوژی در نگاه جامعه‌شناختی نک:

- A. Obershou, Social Conflict & Social Movement, Prentice Hall, N.J: 1973.

- K. Mannheim, Ideology & Utopia, New York, Anchor, Books, 1965.

۱۰. بحث رهبری در دیدگاه جامعه‌شناسانه بسیار مورد توجه بوده است. از این میان می‌توان به کتب زیر توجه دارد:

E. Erickson, Young Man Luther : A Study in Psychogenesis & History, New York, W. W. Norton, 1962.

- Harald Lasswell, Psychopathology & Politics, New York, International V.P., 1963.

۱۱. حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، پیشین (یادداشت شماره ۲) فصل: جنبش‌های اجتماعی.

۱۲. نک: مجله اقتصاد ایران، ش ۲، آبان ۷۷، ص ۶.

۱۳. مسعود نیلی (تهیه و تنظیم) اقتصاد ایران، مدرسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ج ۱، ۱۳۷۶، ص ۶۹۸.

۱۴. «قیمت نفت و چشم‌انداز بودجه سال ۱۳۷۷»، مجله اقتصادی ایران، سال اول، مهر ۱۳۷۷، ص ۲۰.

۱۵. مجله اقتصادی ایران، ش ۴، اس ۱۳۷۸، ص ۳.

۱۶. یدالله دادگر، کارایی، رفاه و عدالت در اسلام و اقتصاد متعارف، نامه مفید، سال ۵، ش ۱، ص ۴۵.

۱۷. نک: اسفندیار امیدبخش و مسعود طارم سری، آشنایی با موافقتنامه عمومی تفرقه و تجارت (گات) و بررسی تبعات الحاق

جمهوری اسلامی ایران به آن، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۲.

۱۸. در این ارتباط نگاه کنید به دو اثر ذیل که ابعاد سیاسی و اقتصادی ناشی از فقر را تبیین نموده‌اند:

- E. Kevneth, Reflection on Poverty, New York, Colombia University Press, 1961.



- Charles F. Andrain & David Apter, Political Protest & Social Change, Macmillan, 1995.

۱۹. در این ارتباط معمولاً محققان و پژوهشگران خارجی تقسیم‌بندی‌های مختلفی را ارائه داده‌اند که از جمله جامع‌ترین آنها در کتاب زیر آمده است:

Nikki R. Keddie, Hoogland (tditea), The Iranian Revolution & the Islamic Republic, U.S.A Syracuse University Press, 1986.

- نیکی، آزکدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم، ۱۳۶۹، بویژه فصل ۹
۲۰. در این ارتباط نگاه کنید به تمایز مختلف به کار گرفته شده توسط افرادی چون بهزاد نبوی، مرتضی نبوی، علی اکبر محتشمی و اسدالله بادامچیان در :

- چهره به چهره: ده گفتگوی صریح نشریه صبح با صاحب‌نظران، تهران، کتاب صبح، ۱۳۷۵، همچنین
۲۱. جناح‌بندی‌های مربوطه در کتب زیر معرفی شده‌اند:

- سعید برزین، جناح‌بندی‌های سیاسی در ایران، قهرمان، مرکز، ۷۷.

- حجت مرتجی، جناح‌بندی‌های سیاسی در ایران امروز، تهران، نقش و نگار، ۷۸

۲۲. به عنوان مثال نگاه کنید به شاهد مثال زیر که حکایت از آثار بارز شکاف سیاسی در بُعد روابط داخلی دارد:
در سرمقاله مجله «ایران فردا» آمده است:

«اگر قرار بر دمیدن در تنور تندى و چپ روی باشد، جناح اصلی طرف مقابل جبههٔ دوم خرداد، یعنی جناح انحصار و سرکوب موسوم به جناح راست در یک سری و مجموعه افراد و محافل مخالف انقلاب و اسلام موسوم به ضد انقلاب در سری دیگر، بسیار متمایل تر و برخوردارتر از حمایت‌های داخلی و خارجی می‌باشند...» (ایران فردا، سال ۱۳۷۸، ش ۵۴)
همان گونه که ملاحظه می‌شود، بهره‌برداری سیاسی از شکاف فوق در پاراگراف فوق بسیار روشن است.

۲۳. شرح مفصل این ادعا را در کتاب زیر بخوانید:

- کلیم صدیقی، نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، سیدهادی خسروشاهی، اطلاعات، ۱۳۷۵، فصول ۱۱ (مؤلف در این اثر به تشخیص انقلاب اسلامی بر اساس شکاف جهانی تازه ایجاد شده پرداخته است.)

۲۴. از جمله این تجلیات می‌توان بر ممانعت‌های به عمل آمده علیه کشور‌های در حال توسعه - به طور عام - و ایران به طور خاص - اشاره داشت که ایران را از نیل به اهداف عالی سیاسی - اقتصادی‌اش با مشکل مواجه ساخته است:

- S. Gee, Technology Transfer, Innoraion & International Competitiveness, Newyork, John Wiley Sons, 1981.

25. See: John Esposito, Thee Iraniam Revolution: Its Global Impact, U.S.A, Broad of Regents of the State of Falaria, 1950.

۲۶. رویکرد تازه آقای خاتمی مورد توجه بسیار قرار گرفته است: نک:

- گفتمان، زمستان ۷۷

- همایش بین‌المللی گفتگو تمدن‌ها، تهران، وزارت کشور، به همراه مرکز اسناد و مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.



27. See: Political Protest & Social Change, Op.cit (note:19).

۲۸. جهت اطلاع از آمارهای پاره‌ای از مفاسد اجتماعی و اعمال منافی عفت نک: داود شیخاوندی، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران نشر مرنديز، ۱۳۷۳، صص ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۶۳، ۳۶۸ تا ۳۴۲، ۳۷۰.

29. Dianna. Crance, (edior) The Sociology of Capture, Blacwel, 1994.

۳۰. نک: اصغر افتخاری، مبانی اسلامی حاکمیت سیاسی، دانشگاه اسلامی، ش ۶، ص ۷۷.

۳۱. نک: اصغر افتخاری، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۷.

۳۲. نک: اهداف انقلاب اسلامی، گفتگو با آیت‌الله اردبیلی، متین، سال اول، ش اول، ۱۳۷۷.

۳۳. در این ارتباط نگاه کنید به آثار ذیل که در این خصوص توضیحات مبسوطی آورده‌اند:

- احمد آذری قمی، ولایت فقیه، قم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، ۱۳۷۱.

- آیت‌الله منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، محمود صلواتی، تهران، کیهان (تفکر)، ج ۲، ۱۳۶۷.

۳۴. در این ارتباط نگاه کنید به منابع زیر که این دیدگاه را معرفی کرده‌اند:

- مظفر نامدار، مبانی مکتبها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صد ساله اخیر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶.

- کاظم قاضی‌زاده، اندیشه‌های فقهی، سیاسی امام خمینی (ره)، تهران مرکز تحقیقات استراتژیت ریاست جمهوری، ۱۳۷۷.

۳۵. نک: جناح‌بندی‌های سیاسی در ایران، پیشین.

36. See: John Esposito, op.cit. (note:26). Chap. Asia.

۳۷. نک: در جستجوی راه از کلام امام، دفتر اول، ص ۸۸، ص ۸۹ چ همچنین:

- اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (ره).

۳۸. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱۳، صص ۹-۱۸۸.

۳۹. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱۳، ص ۱۸۸.

۴۰. همانجا، دفتر ۱۲، ص ۶۷.

۴۱. در این ارتباط نک:

- اصغر افتخاری، «آینده انقلاب اسلامی از دیدگاه امام (ره)»، در: فجر انقلاب، تهران، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.

۴۲. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱۸، ص ۴۵۴.

۴۳. در ارتباط با جایگاه مردم در تئوری ولایت فقیه امام (ره) نک:

- اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)، پیشین و یادداشت شماره ۳۸

- جمهوریت و انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وزارت ارشاد، ۱۳۷۷.

۴۴. نک: محسن آژینی، اندیشه‌های اقتصادی حضرت امام خمینی (ره)، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.

۴۵. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۳۱.



۴۶. جستجوی راه در کلام امام، دفتر ۱۵، ص ۱۳۴.

۴۷. همانجا، ص ۱۴۶.

۴۸. صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۶.

۴۹. نگاه کنید به: تبیان: دفتر پانزدهم (وحدت)، پیشین (بویژه صص ۲۱۰-۲۰) که مجموعه بیانات امام(ره) را در زمان وحدت شیعه و سنی آورده است.

۵۰. سخنرانی مورخه ۵۹/۵/۲۰ امام(ره) ناظر بر همین معناست.

۵۱. صحیفه نور، ج ۱، صص ۱-۱۲۰.

۵۲. دو فراز از بیانات امام به نقل از: تبیان (دفتر پانزدهم - وحدت)، پیشین، صص ۳-۲۲۲.

۵۳. روح‌الله الموسوی‌الخمینی، ولایت فقیه و جهاد اکبر، تهران، دفتر چاپ‌الست فقیه، بی‌تا، صص ۶-۵.

۵۴. در جستجوی راه از حکام امام، دفتر ۱۲، ص ۶۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی